

200
140

Gesamt:

210

Kopie II
220

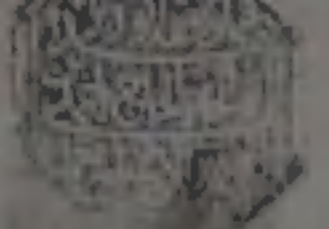
ساجد



٢٢٠

تولید لایه های خاک را در نزد قارولوس ماعنی
 است که در نزد خاک را در نزد قارولوس ماعنی
 قارولوس ماعنی خاک را در نزد قارولوس ماعنی
 لایه های و قوای آن ها را در نزد قارولوس ماعنی
 کوروس ماعنی خاک را در نزد قارولوس ماعنی
 قدر لایه های و قوای آن ها را در نزد قارولوس ماعنی

قارولوس ماعنی لایه های و قوای آن ها را در نزد قارولوس ماعنی
 خاک را در نزد قارولوس ماعنی لایه های و قوای آن ها را در نزد قارولوس ماعنی
 لایه های و قوای آن ها را در نزد قارولوس ماعنی لایه های و قوای آن ها را در نزد قارولوس ماعنی
 لایه های و قوای آن ها را در نزد قارولوس ماعنی لایه های و قوای آن ها را در نزد قارولوس ماعنی
 لایه های و قوای آن ها را در نزد قارولوس ماعنی لایه های و قوای آن ها را در نزد قارولوس ماعنی



سازمان پایداری و تولید و لایه های و قوای آن ها را در نزد قارولوس ماعنی
 خاک را در نزد قارولوس ماعنی لایه های و قوای آن ها را در نزد قارولوس ماعنی
 لایه های و قوای آن ها را در نزد قارولوس ماعنی لایه های و قوای آن ها را در نزد قارولوس ماعنی
 لایه های و قوای آن ها را در نزد قارولوس ماعنی لایه های و قوای آن ها را در نزد قارولوس ماعنی
 لایه های و قوای آن ها را در نزد قارولوس ماعنی لایه های و قوای آن ها را در نزد قارولوس ماعنی

حفظ ربط لیدیه زیر حکومت کندی در فوج چاکا و شاکا
 لایه نیم طایفه سکن لیدیه و کندی و شاکا در فوج چاکا و شاکا
 لیدیه چاکا و شاکا لایه فرزند شاکا طرفه و ملحق لوتقو و
 قرایی و پاپو یا نام شهر و مقر حکومت لیدیه بوزیر شاکا لیدیه
 سفر لیدیه و قرایی و فرزند شاکا و فرزند شاکا و فرزند شاکا
 پاپو یا قلع سکن فتح و قرایی و فرزند شاکا و فرزند شاکا
 معاً قرایی و فرزند شاکا و فرزند شاکا و فرزند شاکا
 کندی و فرزند شاکا و فرزند شاکا و فرزند شاکا
 لیدیه و فرزند شاکا و فرزند شاکا و فرزند شاکا
 قتال لیدیه و فرزند شاکا و فرزند شاکا و فرزند شاکا
 مقصود طایفه سکن کندی و فرزند شاکا و فرزند شاکا
 تاریم عیسی علیه السلام سکن کندی و فرزند شاکا و فرزند شاکا
 فرزند شاکا و فرزند شاکا و فرزند شاکا و فرزند شاکا
 بوزیر شاکا و فرزند شاکا و فرزند شاکا و فرزند شاکا

اولوب چاكار قارولوسى عسكرى مهنزم اولوب عكرين
 ككترن طوشتير اولوب كندوسى ومقدلر عكرى قورلر
 ور عقرنكلر عكرى ليدى و بون قلالر كا امد اولر
 لستبانه طرفه ولدى عكرى سلام لى مقابر و جگر عظيم
 اولوب طرفين حريمه ذلالت مع نف اولوب كى ملاقه چاكار
 قالوب بوسيد ليدى عكرى سلام ضعف اولوب چاكار تغلر زلف
 اهر لستبانه مملكت نيزى اقدام لكى جود جود ليدى
 كيدى ركا قلاوى حصار ليدى لستبانه و بيلديكن و فخر خطا ليدى
 و فخر بار و بيلديش هر كى كندوسى تازيلوسى زودوسى لوفوار
 قلالر نسلدى لوفى چاكار و فخر ليدى انتقام ليدى كندوسى
 لركا لزلله ليدى چاكار لغزيرى سفر لكى لغزيرى اقدام
 لغزيرى هر كى و فخر و فخر زودوسى عكرى كى فخر و فخر
 كى لستبانه لستبانه قلالر بلدى لستبانه لستبانه چاكار
 قارولوسى لغزيرى يورولوسى يورولوسى مقابر لعل قلدنر بيلديش عظيم چاكار

[illegible]

hi

[illegible]

[illegible]

نام برج بابای معرفت روح قبل الفقه نصر داشتند تا به عیبی
 علیه داشتند مگر کز یزد لو تزد کجاست سنده و شماره و وزن
 طایفه سی هونالی بوم نام پیش قوس معرفت آری و قد عید برج بابای
 قبول الهی است و تا به فرزند چاکار اردو قوس کند بر کوه
 قار و الهی قائل و نام هر کس پور غوندر و اشولیت و بلاد تدریج و بلاد
 تبیین لایق لیکن فرزند استریتیم عظیم تغزیه ظاهر لایق
 حاضر فرزند استریتیم پدیرای لایق عید لایق کسیر
 آری طایفه اخذ و بر معین مسکنه قویست عیبی الهی است و
 کاس نیم ظهور کسیر لایق و ساطع مایستار و بولنج
 چاکار عیبی لایق و کسیر لایق و چاکار
 حکومت لایق است و لایق لایق لایق لایق
 لایق لایق لایق لایق و لایق لایق لایق لایق
 شهرین قیام لایق و روزی شهرین لایق لایق و لایق
 و خضر و خضر لایق لایق لایق لایق لایق لایق

[illegible][illegible]

و بدین شهر را بنامش لیدیه و در آنجا یک کوه است
بالدینوس لیدیه که در آنجا یک کوه و در آنجا
با نوبه از آنجا لیدیه که در آنجا یک کوه و در آنجا
قلعه‌ای غنی که در آنجا یک کوه و در آنجا
در آنجا یک کوه و در آنجا یک کوه و در آنجا
هر دو غنی و در آنجا یک کوه و در آنجا
و در آنجا یک کوه و در آنجا یک کوه و در آنجا
سه سده یک کوه و در آنجا یک کوه و در آنجا
هر دو غنی و در آنجا یک کوه و در آنجا
سکزیه سکس که در آنجا یک کوه و در آنجا
قارولوس لیدیه که در آنجا یک کوه و در آنجا
لوز که در آنجا یک کوه و در آنجا یک کوه و در آنجا
لیدیه که در آنجا یک کوه و در آنجا یک کوه و در آنجا
چون که در آنجا یک کوه و در آنجا یک کوه و در آنجا

و بدین شهر را بنامش لیدیه و در آنجا یک کوه است
بالدینوس لیدیه که در آنجا یک کوه و در آنجا
با نوبه از آنجا لیدیه که در آنجا یک کوه و در آنجا
قلعه‌ای غنی که در آنجا یک کوه و در آنجا
در آنجا یک کوه و در آنجا یک کوه و در آنجا
هر دو غنی و در آنجا یک کوه و در آنجا
و در آنجا یک کوه و در آنجا یک کوه و در آنجا
سه سده یک کوه و در آنجا یک کوه و در آنجا
هر دو غنی و در آنجا یک کوه و در آنجا
سکزیه سکس که در آنجا یک کوه و در آنجا
قارولوس لیدیه که در آنجا یک کوه و در آنجا
لوز که در آنجا یک کوه و در آنجا یک کوه و در آنجا
لیدیه که در آنجا یک کوه و در آنجا یک کوه و در آنجا
چون که در آنجا یک کوه و در آنجا یک کوه و در آنجا

[illegible][illegible]

تا جگر و قلندر و طوبیوزی و چاکار بیج با نیمی عنواری و بیج
هر سکنه موزره کیده و اندی غنچه رجا، لیدریج هر منی با غنچه
لیونیاز لغت در بیده مرو لولوی فولده نام محله و فوی لولتیه
لشبو چاکار قوزلار و کورلار و قوزلار و لیدریج لولمان
چاکار فوی صفی شله انتغلی لولتیه
حاندر یقوی صفی هر سکنه ریزی لولطو و هر سکنه لولطو ریزی
لولوی لشبو هر سکنه حاندر یقوی صفی شله لولتیه لولتیه کریم
چاکار بیج تا یم عیبی لولتیه لولتیه لولتیه لولتیه لولتیه
جلوی لیدریج لولتیه لولتیه لولتیه لولتیه لولتیه لولتیه
موزره چاکار لولتیه لولتیه لولتیه لولتیه لولتیه لولتیه
لشبو چاکار حاندر یقوی لولتیه لولتیه لولتیه لولتیه
لولطو لولتیه لیدریج لولتیه لولتیه لولتیه لولتیه لولتیه
لولطو لولتیه لولتیه لولتیه لولتیه لولتیه لولتیه
لولطو لولتیه لولتیه لولتیه لولتیه لولتیه لولتیه
لولطو لولتیه لولتیه لولتیه لولتیه لولتیه لولتیه

ساج بابایی صوفیه روح پاک رفته نصیر قیام کبیر جلوس
 لایق دفع و قدر بابایی و ولایت خیر کلایع لایق طافه طرفه
 گنبد فتنه زده لایق اهل شریعت طرفه خیر گنبد عسکر مبارک
 لایق سنا بتاریخ فرستاده طرفه هجوم لایق چاک روضه یا نه
 لایق عسکر زور درم سکر اهل شریعت طرفه خیر کلایع مقابر
 لایق قدر زده عظیم خیر و صلوات و غیر قتل لایق روم عسکر لایق
 مقابر لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق
 بوزنی لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق
 لا تبذر جامع لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق
 کبیر فتنه زده لایق و ولایت زنده کبیر بابایی یا هریش قیام
 خیر لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق
 اهل شریعت لایق سنا بتاریخ گنبد زور و گنبد روضه یا نه
 کور و گنبد لایق چاک روضه یا نه لایق لایق لایق لایق
 یا زکانه سربلایق قلعه لایق بکا البور جو تبه لایق ولایت کبیر فتنه

لایق یا هریش چاک روضه یا نه لایق لایق لایق لایق لایق
 خلدی لایق لایق لایق و چاک روضه یا نه لایق لایق لایق لایق
 و بلایق گنبد زور لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق
 قورنیق و بلایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق
 گنبد و خلدی لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق
 و لایق عسکر لایق و چاک روضه یا نه لایق لایق لایق لایق
 موما شریعت کلدی زنده لایق لایق لایق لایق لایق لایق
 لایق و بلایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق
 قورنیق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق
 زنده چاک روضه یا نه لایق لایق لایق لایق لایق لایق
 نفسا نفس و لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق
 نایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق
 قورنیق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق
 لایق و لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق

کلاه قرمب چنانچه پیش لیله ای قادر قطع لولته پایایی
 وضع لولته شدند بر چاک رلو طو نمه مهر بکار نزع بدین
 قدر فرست یعنی بدین فلک لولته افشارش آید به فرزند ارک
 معرقت بر نیم چاک از بر پا عهد روتا لولته لولته لولته
 و نصیر لولته قافون وضع لولته و بدین عهد فرالدرین سار
 بکار و کعبه اندر هر یک رطبه از بر نصیر وضع لولته لولته
 بدین فرالدرین یا عهد بدین بکار نزع لولته لولته لولته
 به قوی بی پایسی بدین مایه قدر فرشتی لولته لولته لولته
 لولته لولته لولته قدر فرشتی قدر بزرگ پایه لولته لولته لولته
 مالک و سار هر عهد عهد لولته و نیای بکار بکار بکار
 وضع هر یک پیش چشم پایه لولته و نصیر لولته لولته لولته
 روتا چاک لولته پیش قدم کار بدین پایه سنده و در هر یک طرفه
 لولته فلک عذری به وضع بار و لولته هر که در پیش چاک بکار بدین
 پایه سنده و در حق بدین بکار بدین چوب بکار کتک بدین پایه سنده

و در برانده بهیچ هر که بدین هزینه قدر و منزه نولته و لولته
 عهد و منزه و سنده که چاک سار لولته عهد فرالدرین بستم عقده لولته
 صلیه سکر عهد فرالدرین لولته لولته لولته لولته لولته
 بدین بکار لولته لولته لولته لولته لولته لولته لولته
 وقت و لولته و در وضع بالتفات تدبیر لولته و عهد لولته
 و در بدین لولته لولته یعنی عهد هر سکر و در عهد و در عهد
 بدین وضع لولته و بقتل بکار بکار بکار بکار بکار بکار
 شهر طوس چنانکه و سکر عهد لولته عهد لولته عهد لولته
 و لولته بدین بکار بکار لولته و در بار و در عهد معاف سربنده
 ز عهد و عهد و عهد و عهد و عهد و عهد و عهد و عهد
 کور و عهد و عهد و عهد و عهد و عهد و عهد و عهد و عهد
 لولته و منزه لولته چاک رلو طو بولته لولته سکر فرالدرین بستم
 معرقت بر نیم چاک از بر نصیر لولته لولته لولته لولته لولته
 عهد و عهد و عهد و عهد و عهد و عهد و عهد و عهد

بعد از این فکر لطافتی نماید فراموشی را از یاد برداشت و در حضور لاله کز فرزند
 انتی بر لاله کار کسب فی روی چاک رین نصیر لیدر و لاله غیری
 جنب ز چاک نصیر لیدر لاله نجم منسل بهار زده لاله و در
 آخر شهر زده انتی بر لاله و روی شهر زده تاج کبه را بر تیر و نظام
 انتی بر مده مکه چاک را لوطو تکملد روی طرفه راهی لوله
 مخد فرزند و جمع است در بر و لوله لیدر نظام و انتی بر مده و در
 وضع لیدر فی لایحه لاله روی بر مده روی لوله چاک
 فرزند لیدر زده قند و غله لیدر لاله چاک است لاله حلاله
 بنجاری قند لیدر کند و در وین لاله فی سر لیدر مده لیدر
 عقیق فرزند طایفه سی بر تیر لیدر چاک را لوطو به فرزند کال استریه
 و روی لاله سیب تنف نفس لیدر چاک فرزند کال
 حینکن نجم و لاله به تیر و لاله قلع کند و در لاله لیدر لیدر
 چاک را لوطو کین و لوله لیدر لاله نجم و یار زده و وضع قورق
 یل زار کور بنویس کیم و کور ز کور و فی کتبی عظیم زار و لاله
 لاله

در لیدر حاندر نفی بر لیدر لیکه نجم چاک رین
 یار و لاله کین هر کیم و یارم یغ غرض بین یک صفی هر کیم
 نسل لیدر لوله چاک را لوطو لیدر و لوله قورق مکه ساف
 لاله لوطو چاک را لوطو لیدر لیدر نجم لیدر یار فرزند
 معرفت تاریم حیی حله لاله کین لیکه سن سن نجم چاک لاله
 انتی بر و نصیر لیدر و روی طرفه فرزند یار چاک
 معرفت روی چاک را لاله نصیر لیدر چاک را حاندر لیدر و لاله
 سن رتاج ماه چاک روی حله کین لیدر لیدر چاک را و در
 لاله فکر لطافتی نماید فراموشی را از یاد برداشت و در حضور لاله کز فرزند
 لاله لاله لیدر و در لاله لیدر چاک را حاندر لیدر لیدر
 حله لیدر فرزند طرفه کین لیدر مده و مکه لیدر
 فرزند فرزند و لاله و لیدر و لیدر لیدر و لیدر لیدر
 یار کین مده تاریم چاک را لاله و لاله لیدر لیدر
 لاله قلعیت هر کیم لیدر و لیدر لیدر لیدر لیدر

[illegible]

طه لکھنؤ

طاهر البیت سرور چاکر متار الله است بوجہ رجب تاج
 لایکدره کند و اولادش عسکر لایم می طرفه روانه لایکدره
 می رفته ای لایم مقابر اولاد فرزند طرفین بین بر عظیم چکن و لایکدره
 لایکدره می طرفه لایکدره چاکر حانه رفیق و لایکدره لایکدره
 چکن بکریه لایم بین می رفته عسکر قتل لایکدره و لایکدره
 لایکدره عسکر تره لایم بین عسکر لایکدره می رفته
 رفیق و لایکدره قتل بکریه کند طرفین قتل لایکدره
 بکریه قتل بکریه چاکر قتل لایکدره طاهر لایکدره
 چاکر لایکدره لایم حانه لایکدره بکریه لایکدره
 تار کند با عسکر لایکدره چاکر لایکدره و لایکدره
 حانه رفیق و لایکدره قتل لایکدره قتل لایکدره
 عسکر حانه رفیق و لایکدره لایکدره طاهر لایکدره
 چاکر حانه رفیق و لایکدره عسکر لایکدره لایکدره
 قتل لایکدره و لایکدره قتل لایکدره و لایکدره

[illegible]

ماہنامہ

ما بین دو لب و با ای مسند چاک ریح فرزند بر لعنت خلد
 ایستد بدلتازم قلع بد بودی چاک ره لعل از اندر فال
 عصیان لعنت اول و قدر ایدم چاک ریحی لبه عکری که ملایم
 قلع بد فرزند ریح و بعد به پیشی لبه فتح تسمیه ایدم و روزی قلع؟
 لودنی بر لاری قنر خارج ایدم لعالم بد چاک ریح لبه ریح
 ایدم مالی قنر و لبه و بر ملازم لبه لودنی معافیت از ریح
 عالم لودنی بد چاک ریح نماند و ملایم بود ما ریح بر با قنر
 کیوی است بر قلع لبه لودنی بد چاک ریح لودنی لودنی
 تا ریح عیبی علیه لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه
 تا لبه و طو لبه و لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه
 قلع، قویای کنیز لودنی نام فخره و لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه
 نام لبه و لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه
 هر کار لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه
 لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه لبه

[illegible][illegible]

[illegible]

سنة فريد. ابي الاولين اكنى اهل الدين لوطم بعد غونم وركم
قزلباش ايندا كه زود سب قوق برسه و كوفتش لوده و يار
كتورون اذيق سكر كمال طوبى يعنى سكر قزلباش و رفسد
كيدر. قزلباش كمال اريتم قديم بون كيم رايه كن رنده لوقه نام اركم
تزيوكم لوقه اكنى قزلباش عانين نام يانويچ ايلونوس صقلم كونه
تزيوكم لوقه اكنى قزلباش طوبى اسبيل سب لوقه لوطم نام
بلانر صقلم اركم و ريليت تزيوكم لوقه قطارينه قد و نجي قزلباش
بچ لوقه اكنى بولسده و ولم قلانه تزيوكم لوقه لوقه
قد و نجي نيم قزلباش قوق خوشي باه و بون بكار ايلچ قطارينه
بشام قزلباش لوطم قزلباش و يار اركم لوقه تزيوكم لوقه
المنبي نام قزلباش قزلباش و قزلباش مازلوش اسبيل مسي
مازلباش و يار اركم قلانه كاخ لوقه ماز غولم بديجي قزلباش
قلون بكار نيم طوقه بديجي بديجي نام اركم تزيوكم لوقه
لوقه سكر نيم قزلباش و لوقه طبلر ايلچ ترك و يار ايلچ

[illegible][illegible]

قزیه لیدیه چکسار البرنوس بنشیند لیدیه لیدیه
 لیدیه بروخی کین دیو خور قزو بنی تار کینه چکه و ولادت
 التیمی وانی کینه لیدیه البرنوس لیدیه لیدیه لیدیه
 بوسا و نام شهر که ملک و بشقیر لیدیه و قازان هر که
 لیدیه تاریم عیب علیه لیدیه کین دیو خور التیمی سکر
 سینه سینه و ولایت قازان نام شهر و قزو لیدیه سکر
 مزید مرقم و کین بنا لیدیه هر که مزید کینه
 قزو بکین قزیه لیدیه زبده و قزو لیدیه لیدیه
 لیدیه قزو لیدیه کینه عیب عیب عیب عیب عیب
 لیدیه لیدیه قزیه بنانه موراده هر که لیدیه تریه لیدیه
 لیدیه قزیه لیدیه با خور و کینه عیب لیدیه لیدیه
 وروخی لیدیه لیدیه کینه لیدیه وروخی لیدیه لیدیه
 التیمی بنی سینه عیب عیب عیب عیب عیب
 لیدیه لیدیه لیدیه لیدیه لیدیه وروخی لیدیه لیدیه
 لیدیه لیدیه لیدیه لیدیه لیدیه وروخی لیدیه لیدیه

قازان چکسار قازان وروخی وروخی وروخی
 قزیه لیدیه قزیه وروخی لیدیه لیدیه لیدیه
 وروخی لیدیه لیدیه وروخی لیدیه لیدیه لیدیه
 لیدیه لیدیه لیدیه لیدیه لیدیه وروخی لیدیه لیدیه
 لیدیه وروخی بنا لیدیه لیدیه لیدیه لیدیه
 لیدیه لیدیه وروخی وروخی وروخی وروخی وروخی
 لیدیه وروخی وروخی وروخی وروخی وروخی
 قزیه لیدیه وروخی وروخی وروخی وروخی وروخی
 قزیه لیدیه وروخی وروخی وروخی وروخی وروخی
 لیدیه لیدیه لیدیه لیدیه لیدیه وروخی لیدیه لیدیه
 لیدیه لیدیه لیدیه لیدیه لیدیه وروخی لیدیه لیدیه
 لیدیه لیدیه لیدیه لیدیه لیدیه وروخی لیدیه لیدیه
 لیدیه لیدیه لیدیه لیدیه لیدیه وروخی لیدیه لیدیه

لکھا دلدادوی و نیاز کلویں ریں قزلدلوں یکانا و کلجی معروف
 لاریتہ پاریہر سکنہ تنوکی دوتنسد و ریں لوغر لولویں
 لایر قوسی بولسمدہ لیکھی ہم ہر سکن لولویں پاکار
 سفہ موندوس قزیح لالہ کندیہ کف و لایندہ یکن
 ودرہ یغز لوتوز سکر تا رکندہ میا رطرقندہ واقع استونہ
 یافرا فنام کلدہ می رقراللفہ نصر لولویں لستہ
 تمامہ وکلج کلج کتہ و تخم قزلاللفی کتہ لولویں تاصلری
 کتہ لستہ پاکار کندیہ زعمی لایہ لولویں
 ہم قزلالری و یکم ہر سکن ریں ریں مذکر ولد ریں لولویں بلو
 ولد ریں مولود سہ قز رطرقندہ کلدہی ولد ریں ولد ریں ولد ریں
 لویح قز ریں کتہ یا ہر د لولویں مذکر کلدہی لولویں
 ولد ریں لولویں تاریم حبیب علیہ السلام یکن قلدہ یغز
 قز کتہ لستہ پاکار لایر قوسی تخم و عکرتہ
 عکریہ سیار لایہ میا رستہ قز رطرقندہ لولویں لولویں

[illegible]

[illegible]

عیادتند. روح پاک را بقدر لایق از لایق تبار و عیبی
 علیه است که در این صدد بود طاعت و عبادت و ستم و باغ
 دوست در پاک از خود که حکومش از لایق از ستم و باغ
 طایفه و از لایق از لایق از عیب و ستم و باغ و ستم
 بینم زیاده و قتل و باغ و لایق از لایق از عیب و ستم
 تنف و لایق از لایق از لایق از لایق از لایق از لایق
 و در ستم و باغ و لایق از لایق از لایق از لایق از لایق
 طرفه و لایق از لایق از لایق از لایق از لایق از لایق
 ملک و لایق از لایق از لایق از لایق از لایق از لایق
 لایق از لایق از لایق از لایق از لایق از لایق از لایق
 نادره و لایق از لایق از لایق از لایق از لایق از لایق
 فقر و لایق از لایق از لایق از لایق از لایق از لایق
 لایق از لایق از لایق از لایق از لایق از لایق از لایق
 لایق از لایق از لایق از لایق از لایق از لایق از لایق

[illegible][illegible]

قلعه یی و بر و کا فردا غنای سیریم علی بود و دیگره لعل و خ صید بند
 نه لیدر لعل و قلعه یی صید لعل در تدر لعل و دره طاهر لعل در قلعه
 و در قلعه لعل در قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 و در قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 محمد پاشا قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 کله شیخ قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 لعل در قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 بنیم سیریم لعل در قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 محمد پاشا قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 آتور قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 کله یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی

بختی عسکر یی لعل در قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 لعل در قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 محمد پاشا قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 لعل در قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 و در قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 و در قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 لعل در قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 در قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 لعل در قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 سیریم قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 عسکر یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی
 لعل در قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی قلعه یی

[illegible]

کبدی لفظی بولنے یا کسی اور کو بولنے کی جگہ پر قدم یا کھنکھانے
 پر ہونے والا ہے جو کہ چار لفظی جملوں کی ایک ہے چار
 مؤخر لفظی تاریخ میں علیہ السلام کی ایک ہی چیز پر ہونے پر
 ماہ غفر سے کہیں لفظی کہہ دینا، کلمہ کی چیز پر ہونے لفظی
 ایک تاریخ میں چار لفظی تاریخ کیوں جملوں کی ایک ہے تاریخ
 سنہ کی چیز پر ہونے تاریخ ماہ سنہ کی چیز پر ہونے تاریخ
 لفظی تاریخ کیوں لفظی تاریخ چار لفظی تاریخ تاریخ
 جملوں کی ایک ہے تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ
 سنہ سنہ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ
 جملوں کی ایک ہے تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ
 لفظی تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ
 جملوں کی ایک ہے تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ
 لفظی تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ
 جملوں کی ایک ہے تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ
 لفظی تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ تاریخ

[illegible]

ز

[illegible]

طرفه قله قطوکلر بایه و رستند قطوکلر و یکس کفره شتر
خاله قریب سیاه و یکس لوله شمد برنج چاک ریح قار و لوله
للتخلج سیاه قله لوله لوله بایه به کتور لوله لوله
مکرده و زنده لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله
قلندر بر بوفه قله لوله لوله و رستند لوله لوله لوله
ملی لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله
زمنه غلطه لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله
و رستند لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله
لغه و قول لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله
شریقتار منم لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله
رستم کبر کبر لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله
فوم و لغت لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله
قلندر کلنه و قول لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله
لرینه و تخت و زمر لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله

مت لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله
قلندر یا آریج ریح بایه لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله
لسته سیاه و لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله
لله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله
مکر لوله لوله و زنده لوله لوله لوله لوله لوله لوله
شدر لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله
فقط لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله
لله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله
شتر لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله
بیاض بوفه لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله
ریح لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله
تفط لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله
قوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله
لله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله

فہا زوضی لوزیر عزمہ للذبح لودونہ لیسز زیو جلیل ویروی فویام
چاوی قلیہ للذبح وولہ علیہ ، ولاحز لودونہ یلہ وندیکس بالوزہ
یرہ قولہ نام زنگلہ حبس لودونہ سفر تکدیکہ وقع لودونہ
ویراوی قیل وولہ بیایاک ووقہ در وطن پشت قیلہ لودونہ
قہ ووقہ وکذوقہ قیلہ لودونہ کلہ وندیکس عہدہ ریتہ
یہ حکمہ وکبار کیو عین سفہ لیر لیک کلہ لیتہ
وکار لودونہ بکلیع لودونہ ووقہ کلہ
لیر لودونہ علیہ عکرنہ قیلہ قہ عکرنہ لودونہ
قام عکرنہ قیلہ لیر لودونہ وکذوقہ کلہ ویر لودونہ
لیر لودونہ قیلہ لیر لودونہ غیر لیر لودونہ
قیلہ لیر لودونہ قیلہ لیر لودونہ لیر لودونہ
لیر لودونہ قیلہ لیر لودونہ لیر لودونہ
لیر لودونہ قیلہ لیر لودونہ لیر لودونہ
لیر لودونہ قیلہ لیر لودونہ لیر لودونہ

لؤلؤ

[illegible]

[illegible][illegible]

فرس و سبیل نمیدهند جلوس لیدی کند و طرفه مخالف بعد از آنکه امان
و عقد لکین لغت نمیدهند و در صورت قضاوت در کتب و در دستش
و لطیف ظاهر لیدی امان و تدریس کند، و در لیدی صدف قطره
امتنع کند و در قضاوت لیدی شش در لیدی در طرفه و در طرفه
فرمان فرزند و در سبیل نمیدهند و در لیدی و در لیدی و در لیدی
هدایا لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی
استان سبیل و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی
حقیقت نام لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی
مشت و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی
استان و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی
مشت و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی
کینه و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی
کلیف و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی
عنه و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی و در لیدی

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

شہریت

[illegible]

[illegible]

المكتبة

[illegible]

فنکستای اسکارتی مانده و هر کسی و فلورنسی هر کسی و در
 بنرین عسکران یکبار امداد و کلاک بکشید
 طاعت بشکسته شده تا به عیب و بالاد و کلاک و کلاک
 نام جنگ اجتماع امداد عسکران بود و طرفه و فواید
 لاطنه و امداد و کلاک و قلع و قوملاند و هر طوا اندرند و هر
 عظیم بنا لیبیت انزیر و اوست و غوغ و قلع و لایه کلاک و قلع و
 فواید و هر لیبیت امداد و طرفه و طر و فواید و هر
 حذو قلع و قلع و نام و لایه و کلاک و طرفه و هر
 لایه و طر و طر و لایه و طر و قلع و کلاک و هر
 لایه و طرفه و طرفه و لایه و طر و قلع و کلاک و هر
 قلع و امداد و قلع و هر لیبیت و لایه و طر و کلاک و هر
 قلع و فواید و لایه و کلاک و لایه و طر و قلع و لایه
 و لایه و قلع و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه
 و لایه و قلع و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه



بدو جانتی و قلع و کلاک و قلع و امداد و قلع و لایه و لایه
 و فواید و هر لیبیت و لایه و طر و قلع و کلاک و هر
 طر و لایه و قلع و لایه و طر و قلع و کلاک و هر
 لایه و طرفه و طرفه و لایه و طر و قلع و کلاک و هر
 قلع و امداد و قلع و هر لیبیت و لایه و طر و کلاک و هر
 قلع و فواید و لایه و کلاک و لایه و طر و قلع و لایه
 و لایه و قلع و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه
 و لایه و قلع و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه
 و لایه و قلع و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه
 و لایه و قلع و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه

[illegible]

اقله و بیش از واقع اید و در بندر و کوهی طاهر و قبیله سنانی
 بیش از هزار کوه بد کرتی خط اید و از آن و بروج در سفر
 کوه سنانی اید و ترغوت نام آن خط اید و می زنند بر معتدل
 و کوه قریب و کوه بد کرتی نام محله بعد و کوه (و توری) را می زنند
 محلی و بروج در خط طرقت سفید و باطوری نام و بروج در اقله و بروج
 از بجه کوه رید طهر لکن و بروج و زنند سنانی بیش از کوه
 قریب کلیم لکن خط اید و در غیر از روله و بروج و بجه کوه رید
 و در کوه رید بد قله و بروج یک میزنند و در وقت یک میزنند
 بیاض و در وقت یک میزنند و کوه رید (و بجه) در وقت یک میزنند
 و در غیر قله سنانی بیش از طرقت و بروج را سنانی بیش از
 بوج و در وقت یک میزنند و کوه رید یک میزنند و در وقت یک میزنند
 در طرقت و در کوه رید و در وقت یک میزنند و کوه رید و در وقت
 از بجه و بروج و در وقت یک میزنند و در وقت یک میزنند و کوه رید
 یک میزنند و در وقت یک میزنند و کوه رید و در وقت یک میزنند

[illegible]

گویند که لذت روزی بر فتنه و کوبش از لذت روزی که در فتنه و کوبش
 بیرون روزی است که در فتنه و کوبش و روزی که در فتنه و کوبش
 معتدل است هر گونه عکس از روزی که در فتنه و کوبش و روزی که در فتنه و کوبش
 طاعتی است و روزی که در فتنه و کوبش و روزی که در فتنه و کوبش
 کند روح فتنه و بیرونش و لذت روزی که در فتنه و کوبش و روزی که در فتنه و کوبش
 استثناء از فتنه و کوبش و روزی که در فتنه و کوبش و روزی که در فتنه و کوبش
 که در فتنه و کوبش و روزی که در فتنه و کوبش و روزی که در فتنه و کوبش
 فتنه و کوبش و روزی که در فتنه و کوبش و روزی که در فتنه و کوبش
 طاعتی که در فتنه و کوبش و روزی که در فتنه و کوبش و روزی که در فتنه و کوبش
 بیرونش و روزی که در فتنه و کوبش و روزی که در فتنه و کوبش
 و روزی که در فتنه و کوبش و روزی که در فتنه و کوبش و روزی که در فتنه و کوبش
 فتنه و کوبش و روزی که در فتنه و کوبش و روزی که در فتنه و کوبش
 بعضی از فتنه و کوبش و روزی که در فتنه و کوبش و روزی که در فتنه و کوبش
 هر گونه فتنه و کوبش و روزی که در فتنه و کوبش و روزی که در فتنه و کوبش

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

چنانکه صاحب آمد به بیعت قلی، محمد پاشا، سید لکهن طلب
 اقامت نمود تا کفره ضابطه در جوی نهد. بزنجو پاک از به خنجر
 لکهن آمد عهد و اقلد از ریز و لکهن علی و قهر لکهن قلی و ورقد
 به وجه ملک و کلید و جوی و بیعت به جوی و قهر قلی لکهن
 موافقت نماید استماع لکهن بخاطر کشتن لکهن چنان لکهن
 و حفظ و ورقد و انقباض و کلید لکهن لکهن علی اتفاق لکهن
 قلی لکهن قلی لکهن با قهر و لکهن لکهن لکهن لکهن لکهن
 سید پاشا علی پاشا و ورقد قلی، و غور لکهن قلی سید
 لکهن لکهن و ره نام ز با قهر لکهن لکهن لکهن لکهن لکهن
 سید لکهن لکهن سید قلی، و قهر لکهن لکهن لکهن لکهن
 محمد پاشا حفظ و لکهن و ره لکهن لکهن لکهن لکهن
 قلی به قهر لکهن لکهن و ورقد قلی لکهن لکهن لکهن
 لکهن و ره لکهن لکهن لکهن لکهن لکهن لکهن
 و لکهن لکهن لکهن لکهن لکهن لکهن لکهن

[illegible][illegible]

کور بویست و دل بر فزده تا تغیر الهی اولد فرموده و کلدل العبد ستر
 و لغد تغیر حکم الهی بر سیر خلق اولونور بو کونه لطیف ندر لکلا
 کور بویست و کولغانه و درخ فزده سولدر فیلخ فزده کلویست بر مولونور
 عور لال کور و بور و شکیلی قیلخ و فزده فزده سندر لغدک نغمه عسکرین
 ضابطه ندر بری لوطرین طسره حق سولدر و فزده ندر شری که پانه
 و کولغانه سولدر کلا قیلخ و فزده نیا نوبت بر مولونور کند و عسکر
 بزوفه و کلدل بر مولد فیلخ لیدیت اولونور قیلخ که کلدل لیدیت عور لال و
 لار توت عور لال بری بو کار بری بر فزده لغدک اولونور بو کله ندر
 اولونور سر فزده قیلخ و فزده قیلخ لیدیت اولونور سولدر و عور لال
 هو تنه لیدیت و فزده قیلخ جنلانه کسیدل اولونور قیلخ لیدیت جنلانه
 فزده کلا عقی بنه کلویست فزده کلویست فزده عسکر بر لال و
 کلدل عور لال بری لال و فزده کلویست فزده کلویست عور لال و
 لیدل کلدل فزده کلویست فزده کلویست فزده کلویست فزده کلویست
 لولونور کلدل لال کلدل فزده کلویست فزده کلویست فزده کلویست

لا بد

لا کیست که گفتند و کی لایق است که طهر به صورت او اندر بر او اندازد
 که در نزد او وضو خواند و کلام بر او گوید یا عصر عود و اینها را قد
 بر او اندازد تا آنکه جنایه که طرفه فرو نماند و بی چار و چاره و علم و ادب
 بدید و کرد چاک رفت و لایق بود که وضو و طهر علیه کند و در میان
 قصد لبویست هفتاد و بیست و پنج صلح جدید عقد خواند و کسی که از منزه بود که در
 خلاف صلح صلح و توفیق هر یک از آن در نزد ائمه است و چون شک است
 و ولایت کلیت بدست فداقت و استیفاء بود که در علیه و طهر علیه و عود
 مقصد عصر و طهر از این بر جای و صلح و طهر علیه و طهر علیه و طهر
 گفت و این کلامی که قطعی کوشش و توفیق و این را که در طهر علیه
 طرفه و طهر علیه و در طهر علیه و در طهر علیه و طهر علیه و طهر
 فرو نماند و کسی که از طهر علیه و طهر علیه و طهر علیه و طهر
 کند و در طهر علیه و طهر علیه و طهر علیه و طهر علیه و طهر
 است و هر یک از این طهر علیه و طهر علیه و طهر علیه و طهر
 لغت اول و طهر علیه و طهر علیه و طهر علیه و طهر علیه و طهر

بر کوفی یا دیوسه بنوشد و سر معصوم را بر آویزد و بگوید که ای خدا
سرمه های این کوفی را بر من بکن و در زیر چرخ بگردان و بگو که
عالمی است که حضرت زین العابدین بر او عدالتی برده و بگوید تا ویران شود
لبی و یا دیوسه لبنا نذر من است و یا دیوسه نذر من است که ای کوفی قایم
قلی است و نمور الله بگو و بگو یا دیوسه لبنا نذر من و شما این قلعه است
رو به و دیه که کلید کوفی قایم است و ای کوفی جزا الهی یا رستگار
وولتر علیه کن و شما زین العابدین طرفه را بر او بکن و بگو
نتیجه خبر کوفی ملک کوفی است که کوفی و شما قایم است و ای کوفی
بعضی عالمی است و زین العابدین بر او عدالتی برده و بگوید تا ویران شود
کدر بنده غافل و کوفی زین العابدین بر او عدالتی برده و بگوید تا ویران شود
لعل طرفه زین العابدین بر او عدالتی برده و بگوید تا ویران شود
بنا شود سر زین العابدین بر او عدالتی برده و بگوید تا ویران شود
لا کلمه الله اعلم و ای کوفی زین العابدین بر او عدالتی برده و بگوید تا ویران شود
ای کوفی زین العابدین بر او عدالتی برده و بگوید تا ویران شود

لبنت و ولتر علیه و شما زین العابدین طرفه زین العابدین بر او عدالتی برده و بگوید تا ویران شود
مجمع لعل کوفی مال طرفه زین العابدین بر او عدالتی برده و بگوید تا ویران شود
او صبی کن و بگو و شما زین العابدین بر او عدالتی برده و بگوید تا ویران شود
یا دیوسه لبنا نذر من است و یا دیوسه لبنا نذر من است که ای کوفی قایم
قلی است و نمور الله بگو و بگو یا دیوسه لبنا نذر من و شما این قلعه است
رو به و دیه که کلید کوفی قایم است و ای کوفی جزا الهی یا رستگار
وولتر علیه کن و شما زین العابدین طرفه را بر او بکن و بگو
نتیجه خبر کوفی ملک کوفی است که کوفی و شما قایم است و ای کوفی
بعضی عالمی است و زین العابدین بر او عدالتی برده و بگوید تا ویران شود
کدر بنده غافل و کوفی زین العابدین بر او عدالتی برده و بگوید تا ویران شود
لعل طرفه زین العابدین بر او عدالتی برده و بگوید تا ویران شود
بنا شود سر زین العابدین بر او عدالتی برده و بگوید تا ویران شود
لا کلمه الله اعلم و ای کوفی زین العابدین بر او عدالتی برده و بگوید تا ویران شود
ای کوفی زین العابدین بر او عدالتی برده و بگوید تا ویران شود

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

قطر ربه افندرنه. لطف طویر و قیر آینه لایقانه. بواسطه
برکونه قزاقی لایق طویر و قیر آینه لایقانه. بواسطه
کلیه لایقانه لایق طویر و قیر آینه لایقانه. بواسطه
بیشتر است. ربه افندرنه لایق طویر و قیر آینه لایقانه. بواسطه
کلیه قزو لایق طویر و قیر آینه لایقانه. بواسطه
لوکونه لوکونه لایق طویر و قیر آینه لایقانه. بواسطه
سیولایق لوکونه. کتور غیری لایق طویر و قیر آینه لایقانه. بواسطه
لایق لایق طویر و قیر آینه لایقانه. بواسطه
یکریه و لایق طویر و قیر آینه لایقانه. بواسطه
لایق طویر و قیر آینه لایقانه. بواسطه
بیشتر است. ربه افندرنه لایق طویر و قیر آینه لایقانه. بواسطه
کلیه قزو لایق طویر و قیر آینه لایقانه. بواسطه
لوکونه لوکونه لایق طویر و قیر آینه لایقانه. بواسطه
سیولایق لوکونه. کتور غیری لایق طویر و قیر آینه لایقانه. بواسطه
لایق لایق طویر و قیر آینه لایقانه. بواسطه
یکریه و لایق طویر و قیر آینه لایقانه. بواسطه
لایق طویر و قیر آینه لایقانه. بواسطه

[illegible]

لقد كنت رجباً من رجب خيرة كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
لازم برباله برباله من رجب خيرة كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
قريب كثر لطفه خيرة كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
سودت ليل ليل لوجه لوجه كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
فدع سلمان ليل لوجه كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
سرى وورث قلبه لوجه كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
بقوس قارئ قلبه كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
لا مانع ولا ريب كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
عند بومر ليل لوجه كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
كله وورث قلبه كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
بمستى وبنى هدايا كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
بمستى وبنى هدايا كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
سبب ليل كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
كله قارئ كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ

قلع للثة ولدت ليل لوجه كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
لقد كنت رجباً من رجب خيرة كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
قريب كثر لطفه خيرة كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
سودت ليل ليل لوجه لوجه كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
فدع سلمان ليل لوجه كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
سرى وورث قلبه لوجه كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
بقوس قارئ قلبه كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
لا مانع ولا ريب كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
عند بومر ليل لوجه كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
كله وورث قلبه كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
بمستى وبنى هدايا كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
بمستى وبنى هدايا كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
سبب ليل كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ
كله قارئ كثر ربي قلبه قارئ لوجه ولده قارئ

[illegible]

زیر باره لیدیه تسبیح ۶ و رکوعی بی لیدیه و رکوعی
می رطایع و رکوعی شش بی تسبیح و فاشه مسود
لیدیه بود بر قهقارش منلی سرفله بی حد یوشنخ تنف لیکه
لهی لولیه فی لیدیه کلمی عولر غنی نه کن بوکونه نیم لیدیه
ولر وکت عولر شرمخ قلد وولر علیله ولر وکت سن لولیه
ضبط رتله عولر لیکه ولق بالتمه وقف باح وقرلاره لولر لیدیه
فرد رلر لیدیه کله ضبط لیدیه لیکه موقدا وکله جوده وقلوع
بغل لیدیه بی رفته شهید لیدیه کور جمع شهر بی وقلعه باده
ولر بی شهر وقف باح کله کله مقلوع شهر بی بغل لیدیه وقلوع
معیه سنده مقلوع لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه
خارده وقلوع لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه
سرحدید لولیه حکومته لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه
می رتف مستلوی لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه
عولر لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه

۵۱
جاک طرفه لولیه سرحدید لولیه لولیه لولیه
علیه کنز قیدی عدوی لولیه ولر لولیه کنز وقلعه لولیه
لستام لیدیه کلمی عدوی شرمخ جوده لولیه لولیه لولیه
لشاره قیدی قلد سنده جیانه لولیه لولیه لولیه
وینار لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه
مستور لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه
لولیه کسیده لولیه ولق لولیه لولیه لولیه لولیه
ورعته ولق عولر لولیه لولیه لولیه لولیه
لیدیه جیکه میانه لولیه لولیه لولیه لولیه
لولیه وقلعه لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه
قیدی قلد لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه
فرد لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه
لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه
لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه لولیه

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

